خراسان روزنامه صبح ایران
یکشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۹۵ . ۱۸ ذی القعده ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۳۳۳

گلدا مایر
(۱۲۷۷-۱۳۵۷ هـ.ش)

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در دوران جنگ شش روزه و اشغال بیت‌المقدس توسط صهیونیست‌ها بود. مایر در او کراین به دنیا آمد و در ۲۳ سالگی به فلسطین مهاجرت کرد. مایر اعتقادات افراطی صهیونیستی داشت و معتقد بود مسجدالاقصی باید تخریب و معبد سلیمان به جای آن ساخته شود. در دوران نخست‌وزیری او، مسجدالاقصی توسط «روهان» و با پشتیبانی صهیونیست‌ها به آتش کشیده شد.

چرا سی و یکم مردادماه، «روز جهانی مسجد» نام گرفت؟

اهداف پنهانی صهیونیست‌ها از به آتش کشیدن «مسجدالاقصی»

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

۴۷ سال قبل، روز ۳۱ مردادماه سال ۱۳۴۸ هـ.ش، بخش‌هایی از مسجدالاقصی، توسط یک یهودی صهیونیست به آتش کشیده شد. رژیم صهیونیستی عامل این اقدام جنایتکارانه را، جهانگردی استرالیایی به نام «دنیس مایکل روهان» اعلام کرد. سران این رژیم مدعی شدند که نقشی در این اقدام نداشته‌اند، اما چند روز بعد، «روهان» را به بهانه داشتن بیماری روانی، آزاد کردند؛ جهانگردی که به تنهایی وارد فلسطین اشغالی شده بود و تا پیش از این واقعه، مبتلا به بیماری خاصی نبود! واقعه تلخ به آتش کشیده شدن قبله نخست مسلمانان، کمتر از یک سال بعد از جنگ دوم اعراب و رژیم صهیونیستی، موسوم به «جنگ شش روزه» یا «جنگ ماه ژوئن»، رخ داد. «گلدا مایر»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی که پس از مرگ «لوی اشکول»، به این مقام دست پیدا کرده بود، همچون سایر هم‌مسلکان خود، بر این باور واهی بود که بقایای «معبد سلیمان» زیر بنای کنونی مسجدالاقصی قرار دارد. این دیدگاه افراطی که فاقد دلایل متقن تاریخی است، در میان تمام صهیونیست‌ها رواج داشته و دارد و عملاً، بخشی از ایدئولوژی نژادپرستانه آنهاست.

■ طرحی برای نابود کردن نمادهای اسلامی

صهیونیست‌ها که از مدت‌ها قبل درصدد اشغال کامل شهر بیت‌المقدس بودند، پس از تصرف بخش اعظم این شهر، در جریان جنگ شش روزه و به بهانه آن‌چه «حفظ فرهنگ یهودی» و یافتن «هیکل سلیمان و سایر ابنیه مقدس یهود» می‌نامیدند، دست به تخریب آثار معماری اسلامی و مساجد تاریخی شهر بیت‌المقدس زدند. در همین راستا، بخش‌های مهمی از محلات کهنسال و باستانی شهر که محل زندگی مسلمانان بود، تخریب شد؛ فروشگاه‌های متعلق به مسلمانان تعطیل شد و اوراق هویتی مردم فلسطین را جمع‌آوری و آنها را وادار به استفاده از اوراق هویتی تأیید شده توسط رژیم صهیونیستی کردند. در جریان حمله وحشیانه صهیونیست‌ها به مسجدالاقصی، بخش‌های مهمی از میراث تاریخی مسلمانان نابود شد. صهیونیست‌ها پیش از این نیز، در جنگ شش روزه، کوشیده بودند با بمباران اماکن مذهبی مسلمانان در اطراف مسجدالاقصی، نمادهای اسلامی بیت‌المقدس را از بین ببرند. در جریان آتش‌سوزی مسجدالاقصی، ۲۰۰ متر مربع از سقف مسجد، به کلی ویران شد؛ گنبد تاریخی مسجد در ۵ نقطه سوخت و منبری قدیمی، با قدمت ۸۰۰ سال، از بین رفت.

■ فاجعه چگونه شکل گرفت؟

فاجعه در فلسطین از زمانی رقم خورد که نیروهای استعمارگر انگلیسی، در جریان جنگ جهانی اول و بر اساس قرارداد معروف «سایکس-پیکو» وارد آن شدند و این سرزمین را تبدیل به مستعمره خود کردند. هر چند، جامعه ملل از این اشغال آشکار به «قیمومیت» تعبیر می‌کرد، اما تصرف فلسطین توسط انگلیسی‌ها، معنایی جز چیرگی استعمار بر این سرزمین اسلامی نداشت. انگلیسی‌ها که در سال ۱۹۱۷، طی نامه‌ای رسمی، موسوم به «قرار بالفور»، وعده تأسیس کشوری یهودی را به «لرد روچیلد»، سرمایه‌دار صهیونیست، داده بودند، با انتخاب «هربرت ساموئل»، یهودی صهیونیست، به عنوان فرماندار این سرزمین، همه چیز را برای تسلط صهیونیست‌ها بر فلسطین مهیا کردند. به این ترتیب و با رویکرد خائنانه قدرت‌های جهانی نسبت به حق طبیعی فلسطینی‌ها، رژیم جعلی صهیونیستی در ماه مه سال ۱۹۴۸ تأسیس شد. هر چند صهیونیست‌ها بر اساس طرح سازمان ملل متحد، باید تنها یک سوم از خاک فلسطین را در اختیار می‌داشتند، اما از ابتدا معلوم بود که آنها، به این مقدار اکتفا نخواهند کرد.

در سایه سکوت مجامع بین‌المللی و بی‌کفایتی سران کشورهای اسلامی، در عرض کمتر از ۲۰ سال، تمام اراضی فلسطینی‌ها در کرانه باختری و نوار غزه هم توسط صهیونیست‌ها اشغال شد و میلیون‌ها فلسطینی از خانه و کاشانه خود آواره شدند یا توسط دژخیمان صهیونیست، با وحشیانه‌ترین شکل ممکن، مانند مردم روستای دیریاسین، به شهادت رسیدند. همان‌طور که اشاره شد، تصرف بیت‌المقدس، توسط صهیونیست‌ها، در جنگ شش روزه کامل شد و آنها پس از تسلط کامل بر این شهر مقدس، به جان آثار و ابنیه تاریخی آن افتادند تا به زور بر افسانه‌های نژادپرستانه‌شان، لباس واقعیت بپوشانند.

■ آتش‌سوزی مسجدالاقصی، مقدمه‌ای برای تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی

آتش‌سوزی در مسجدالاقصی، یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری سازمان کنفرانس اسلامی بود. سران کشورهای اسلامی که باید پاسخگوی عملکرد ضعیف خود در قبال حفاظت از قبله نخست مسلمانان می‌بودند، در مهرماه سال ۱۳۴۸ هـ.ش، در شهر «رباط» مراکش گردهم آمدند و درست یک ماه پس از این فاجعه هولناک، موجودیت سازمان کنفرانس اسلامی را اعلام کردند. واقعیت آن بود که سران کشورهای اسلامی که پس از شکست در جنگ شش روزه و تصرف تمام سرزمین فلسطین و نیز، صحرای سینا در مصر و بلندی‌های جولان در سوریه، توسط نظامیان صهیونیست، وجهه خود را در میان مسلمانان، از دست رفته می‌دیدند، سعی داشتند با ایجاد این سازمان، به نوعی وحدت و انسجام خود را در برابر رژیم صهیونیستی به نمایش بگذارند، اما واقعیت چیز دیگری بود و بسیاری از سران حاضر در این کنفرانس، از جمله محمدرضا پهلوی و فیصل، پادشاه سعودی، عملاً سیاست نزدیکی با رژیم صهیونیستی را در پیش گرفته و به شکلی فزاینده، اما مخفیانه، در پی گسترش رابطه با این رژیم بودند.

سازمان، در اولین اقدام خود، دست به جمع‌آوری پول برای بازسازی مسجدالاقصی زد، در حالی که رژیم صهیونیستی، به عنوان عامل اصلی این فاجعه، موظف به پرداخت غرامت به مسلمانان بود. این مسئله مورد اعتراض بسیاری از علمای جهان اسلام و از جمله، حضرت امام خمینی(ره) که در آن زمان به نجف تبعید شده بودند، قرار گرفت. سازمان کنفرانس اسلامی، به ویژه پس از جنگ چهارم اعراب و رژیم صهیونیستی، توانست گام‌های محدودی در راستای همسویی کشورهای اسلامی بردارد؛ اما مسئله یادآوری واقعه دردناک به آتش کشیده شدن مسجدالاقصی، جدی گرفته نشد.

■ ابتکاری به نام «روز جهانی مسجد»

با پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله فلسطین، به عنوان مسئله نخست جهان اسلام، مورد توجه و تأکید نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و ایران اسلامی، به پرچمدار مبارزه با صهیونیسم جهانی تبدیل شد. سال ۱۳۷۳ هـ.ش بود که موضوع انتخاب سالروز واقعه به آتش کشیده شدن مسجدالاقصی به عنوان روز جهانی مساجد، از سوی جمهوری اسلامی ایران در سازمان کنفرانس اسلامی، مطرح شد. ظاهراً این پیشنهاد، ابتدا از سوی حجت‌الاسلام و المسلمین محمدتقی قرائتی ارائه شد و مورد توجه مسئولان، برای طرح در سازمان کنفرانس اسلامی، قرار گرفت. حجت‌الاسلام و المسلمین قرائتی، طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری شبستان، این موضوع را مطرح کرده و گفته است: «در سال ۱۳۷۳، نام‌گذاری روز جهانی مسجد، توسط اینجانب، به رئیس‌جمهور وقت پیشنهاد شد که از آن استقبال کردند. پس از بررسی و کارشناسی این پیشنهاد، در ۲۰ جلسه و با حضور کارشناسان وزارت خارجه، ارائه آن به سازمان کنفرانس اسلامی در دستور کار قرار گرفت. پیشنهادهایی که برای نام‌گذاری روز جهانی مسجد ارائه شد، شامل دو روز بود: روز ۱۲ ربیع‌الاول (ساخت اولین مسجد توسط پیامبر گرامی اسلام(ص) و نیز روز به آتش کشیده‌شدن مسجدالاقصی توسط صهیونیست‌ها که در نهایت، روز به آتش کشیده شدن مسجدالاقصی مورد تأیید قرار گرفت. این مسئله در دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی، توسط رئیس‌جمهور وقت ایران مطرح شد و در اجلاس سی ام وزرای خارجه کشورهای اسلامی در تهران، به تصویب رسید.» انتخاب این روز به عنوان روز جهانی مسجد، از آن رو حائز اهمیت است که در کنار روزهایی مانند روز جهانی قدس، همواره یادآور اشغال قبله نخست مسلمانان توسط صهیونیست‌هاست.

نکته

«مایکل روهان»؛ قربانی دیوانه!

«مایکل دنیس روهان»، فردی که از سوی رژیم صهیونیستی به عنوان عامل آتش‌سوزی در مسجدالاقصی معرفی شد، اهل استرالیا بود. او در دهم تیرماه سال ۱۳۲۰ هـ.ش در این کشور به دنیا آمد. صهیونیست‌ها مدعی بودند که او یک بیمار روانی است، اما مشخص نیست که این بیمار روانی چگونه سر از فلسطین درآورد و یکی از مقدس‌ترین اماکن مذهبی و تاریخی مسلمانان را به آتش کشید. درباره اعتقادات افراطی «روهان» مطالب زیادی منتشر نشده است. برخی نشریات وابسته به گروه‌های مسیحی صهیونیست ادعا کرده‌اند که او خود را «برگزیده خداوند» برای «از بین بردن مسجدالاقصی» می‌دانست. اما اثبات این مسئله ساده نیست و به نظر می‌رسد، این ادعا بیشتر برخاسته از نیات شوم و ضدانسانی مورد علاقه صهیونیست‌ها و مسیحیان افراطی در امحای آثار مذهبی مسلمانان در فلسطین باشد. تعدادی از نشریات صهیونیستی هم، «روهان» را تحت تأثیر خاخام‌های افراطی و نیز سیاست‌مداران صهیونیست پیرو آنها می‌دانند. به هر حال، «مایکل روهان» مدتی بعد از واقعه به آتش کشیدن مسجدالاقصی، از اتهامات وارده، با ادعای ابتلا به بیماری روانی، تبرئه و حکم آزادی‌اش صادر شد. «روهان» تا سال ۱۳۵۳ هـ.ش، ۵ سال بعد از آتش‌سوزی، در فلسطین ماند و مورد حمایت صهیونیست‌های افراطی بود. «روهان» پس از بازگشت به استرالیا، مدتی در یک بیمارستان بستری شد و تا سال ۱۳۷۴ هـ.ش که خبر مرگش در روزنامه «سیدنی مورنینگ هرالد» انتشار یافت، خبری از او در دست نبود. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که «روهان» یک قربانی بود؛ قربانی نقشه‌هایی که توسط صهیونیست‌ها، برای ضربه زدن به هویت اسلامی فلسطین، طرح شده و می‌شود.

امام موسی صدر در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه لبنانی «الجریده»

به آتش کشیدن مسجدالاقصی، مانند تخریب کعبه است

صهیونیست‌ها مدعی هستند مسجدالاقصی برویرانه‌های معبد سلیمان ساخته شده است. این یک دروغ تاریخی است؛ زیرا معبد سلیمان چندین بار پیش از ساخت بنای مسجدالاقصی خراب شده بود و زمانی که سپاهیان مسلمان به شهر بیت‌المقدس قدم گذاشتند، از این معبد هیچ نشانی بر جا نبود. هنگامی که مسلمانان در روزگار خلیفه دوم، مسجدالاقصی را می‌ساختند، اگر به‌راستی در آنجا معبد سلیمان هم وجود داشت، آن را از میان نمی‌بردند و بر اساس آموزه‌های اسلامی، متعرض عبادت یهودیان نمی‌شدند. با این حال، صهیونیست‌ها، در اقدامی وحشیانه، عبادتگاه و قبله اول مسلمانان را به آتش کشیدند. آنچه در پی می‌آید، پاسخ‌های امام موسی صدر به خبرنگار روزنامه لبنانی «الجریده» درباره به آتش کشیده‌شدن مسجدالاقصی به دست صهیونیست‌هاست. این مصاحبه در تاریخ چهارم مهرماه سال ۱۳۴۸ هـ.ش، حدود یک ماه پس از این واقعه، انجام شد.

ما با حادثه‌ای بزرگ در جهان عرب روبه‌رو شده‌ایم و آن، به آتش کشیدن مسجدالأقصی است. تحلیل جناب‌عالی از این جنایت چیست؟

اجازه بدهید پیش از سخن درباره دیدگاه ما و تکلیفی که در برابر این جنایتِ هولناک داریم، برای توضیح بیشترِ حقایق و روشن‌تر شدن افکار عمومی، نکاتی را متذکر شوم. نکته اول: می گویند مسجدالاقصی برویرانه‌های معبد سلیمان ساخته شده است. این دروغی تاریخی است، زیرا معبد سلیمان چندین بار پیش از ساخت بنای مسجدالأقصی خراب شده بود و زمانی هم که سپاهیان مسلمان به شهر بیت‌المقدس قدم گذاشتند، از این معبد هیچ نشانی بر جای نبوده است. همچنین، هنگامی که مسلمانان در روزگار خلیفه دوم، مسجدالأقصی را می‌ساختند، اگر به‌راستی در آنجا معبد سلیمان هم می‌بود، آن را از میان نمی‌بردند. در تاریخ مسلمانان، هیچ‌گاه نیامده که مسلمانان معبدی را تخریب کرده باشند تا معبد دیگری بسازند، همچنان که در مورد کلیسای «القیامه» نیز به این گونه عمل کردند. هیچ دلیلی در دست نیست که نشان دهد معبد سلیمان تخریب و برویرانه‌های آن مسجدالأقصی ساخته شده باشد. نکته دوم: مسئول این کار اسرائیل است. هر قدر رژیم اسرائیل در پوشاندن یا کتمان حقیقت تلاش کند، عاقبت تمام مسئولیت‌های ناشی از این عمل، متوجه اوست. دلیل ما آن است که مدت زمانی طولانی است که در جراید و مجلات، درباره احیای معبد سلیمان سخن گفته می‌شود و احیای این معبد، احساسات نژادپرستانه‌ای را تقویت می‌کند که به نام دین مطرح می‌کنند. کمتر از دو سال پیش، مجله تایم مقاله مفصلی منتشر و نویسنده مقاله این پرسش را مطرح کرده بود که تغییر مسجدالأقصی به معبد سلیمان چگونه امکان‌پذیر است و البته، نویسنده خود در پاسخ به این پرسش گفته بود که شاید بتوان با به آتش کشیدن مسجدالأقصی، این مهم را امکان‌پذیر کرد. این مقاله موجود است. نکته سوم: مسئله تأخیر و سستی در اطفای حریق است. در هر دولت عقب‌مانده‌ای امروزه سازمان آتش‌نشانی و مأموران می‌توانند در عرض چند دقیقه خود را به محل حریق برسانند. نکته چهارم: موضوعاتی که اسرائیل برای برانگیختن حساسیت یهود در جهان پخش می‌کند، سبب اصلی تشویق و تقویت این احساس در آنان است. در نتیجه، هر دادگاهِ حقوقی چاره‌ای جز آن ندارد که اسرائیل را برای این حادثه محکوم کند. نکته مهم دیگر ابعاد حادثه است. آیا به‌راستی این آتش‌سوزی حریقی معمولی بود؟

اگر چنین بود، چرا با این موج گسترده از محکومیت روبه‌رو شد؟ در حقیقت، ابعاد این عمل، بسیار گسترده است و می‌توان آن را تجاوزی به مردم و تجاوز به مؤسسات الهی و تجاوزی به زمین و آسمان تلقی کرد. همچنین، این عمل تجاوزی به زمان حال و زمان گذشته به حساب می‌آید. این کار تأکید بر نوعی نژادپرستی است که هیچ‌گونه حد و مرزی پیش روی خود نمی‌شناسد و حتی به پاک‌ترین مقدسات دیگران هم تجاوز می‌کند.

مسجدالأقصی در نگاه مسلمانان نماد و رمزی بزرگ به حساب می‌آید. چرا که اسلام در مکه متولد شد و اسراء، یعنی انتقال پیامبر(ص) به قدس، تعبیری کنایی از گسترش و انتشار اسلام به شمار می‌رود. تجاوز به این نماد، به معنای ایستایی اسلام در یک منطقه معین و شبیه به تخریب خانه کعبه است. نابودی کعبه به معنای مرگ نمادین اسلام است. علت این حادثه جنایتکارانه، بدون تردید، یهودی‌سازی است و یهودی‌سازی یعنی تبدیل بیت‌المقدس به شهری یهودی. اینجاست که ما می‌گوییم این خطر بزرگ فقط به شعائر و مؤسسات اسلامی اختصاص ندارد، بلکه مؤسسات مسیحی را هم تهدید می‌کند. چرا که یهودی‌سازی، یعنی نابود کردن مؤسسات مسیحی و اسلامی به طور یکسان. خلاصه سخن آنکه، این مؤسسات و نیز همین مسجدالأقصی، اکنون در معرض خطر قرار گرفته‌اند و نیت اینان [صهیونیست‌ها]، یهودی‌سازی همه چیز است و علت آن هم روشن است. از این رو، ما می‌توانیم با صراحت تمام و با اطمینان بگوییم که امروز امت عرب، در معرض امتحان قرار گرفته است. به طور کلی ایمان در مشرق زمین، به خصوص اسلام و مسلمین در معرض امتحان قرار گرفته‌اند. بنابراین، اگر این جنایت با عکس‌العمل متناسب با آن روبه‌رو نشود، به اعتقاد من، این خود دلیلی خواهد بود بر آنکه ما به وجود ایمان و کیان یا امتی که نام او عرب است، تردید کنیم.

ما الان باید دست به کاری بزنیم. به نظر شما این کار چیست؟

بنابر آنچه گفتم، خطر به نهایت خود رسیده و امکان ندارد از این بیشتر شود. لذا تکلیف آن است که همه مؤمنان و همه نیروها، از تمام امت عرب برای خدمت به این مؤسسات و محافظت از آنها کمر همت ببندند.

منبع: کتاب «نای و نی»
از انتشارات مؤسسه مطالعاتی امام موسی صدر

پاورقی

گروه‌های چپ در ایران (بخش سی و هشتم)

اولین انشعاب

همان‌طور که اشاره کردیم، در میان اعضای سازمان، دو تفکر «جزنی» و «احمدزاده» مقابل یکدیگر قرار گرفته بودند و طرفداران هر گروه، سعی می‌کردند «اشرف دهقانی» را به سمت خود بکشند.

دلیل این مسئله، سوابق مبارزاتی «دهقانی» و فرار او از زندان رژیم شاه بود. با این حال، به نظر می‌رسد، طرفداران نظریات «احمدزاده»، یعنی متمایلان به مبارزه مسلحانه، موفق به جذب «دهقانی» شدند.

«مهدی فتاپور»، روز ۲۶ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۸، طی سخنانی در یک میتینگ که در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد، موضوع خروج «اشرف دهقانی» از «سازمان فدائیان خلق» را مطرح کرد.

به این ترتیب، نخستین انشعاب در سازمان روی داد. در مرکزیت این انشعاب که نام قدیمی سازمان، یعنی «چریک‌های فدایی خلق» را برای خود برگزیده بود، «محمد حرمتی‌پور»، «عبدالکریم صبوری»، «اشرف دهقانی»، «فریبرز سنجری» و «رحیم کریمیان» قرار داشتند. گروه انشعابی گمان می‌کرد که به دلیل حضور «اشرف دهقانی» در گروه جدید، بسیاری از هواداران سازمان، جذب «چریک‌ها» خواهند شد و این به معنای تمایل عمومی اعضا و هواداران نسبت به مبارزه مسلحانه است؛ اما بر خلاف نظر آنها و حتی جناح مقابلشان، این اتفاق روی نداد.

با این حال، «دهقانی» و همفکرانش، حاضر نبودند این خیالات باطل را رها کنند. در این میان، مصاحبه «اشرف دهقانی» با یکی از اعضای سازمان، در قالب یک جزوه منتشر شد که نقش مهمی در معرفی بیشتر انشعابیون داشت. «محمود نادری» می‌نویسد: «گفته شده است که این جزوه از پیش آماده شده بود تا در صورت لزوم برای جلب نظر هواداران و اعضا از آن استفاده شود.

اما سیاق مصاحبه و مدخل آن، چنین اطلاعاتی به دست نمی‌دهد. احساس دهقانی نسبت به سازمانش، پارادوکسیکال است؛ از یک سو با تأثر و تأسف از اخراج و خروجش سخن می‌گوید و علاقه و میل خود را به عضویت در سازمان پنهان نمی‌کند و از سوی دیگر سازمان را اسیر اپورتونیست‌ها می‌داند... مصاحبه دهقانی حاوی جملات قصارِ دیگر نیز، هست.

مثلاً او می‌گوید: این طبقه‌ای که ما کمونیست‌ها دل در گروش بسته‌ایم، طبقه عجیبی است. خودش پای در زنجیر دارد و به آزادی اسرای دیگر می‌اندیشد و آنها را آزاد می‌کند... [این طبقه] حتی بند از پای دژخیمان خویش باز می‌کند، در حالی که خود همچنان در اسارت قرار دارد ....» به این ترتیب، نخستین انشعاب در سازمان به وجود آمد؛ اما این، آخرین انشعاب نبود.

تحلیل‌های روز را رصد کنید
www.Rasad.org
پایگاه تحلیلی دفتر پژوهش روزنامه خراسان

استاد فرهیخته جناب آقای دکتر رشید کنجی
مسئول محترم اتاق عمل بیمارستان سینا
جناب آقای کامران -بخش ICU و جراحی ۳
شرکت مدیران سلامت جناب آقای ثانی
از زحمات بی شائبه شما عزیزان تشکر می نماییم.
ظهورکاری (جامی) م/۹۵۱۶۴۱۱۵

جناب آقای دکتر مرتضی مرتضوی فرد
جراح و متخصص بیماریهای چشم
چشم روشنی بیمار انمان
لطف الهی بود که با دستهای
توانمند و طلایی شما تحقق یافت.
تقدیر ما را پذیرا باشید
دکتر میرشمسی
دکتر ولی الهی، دکتر ترابیان
م/۹۵۱۶۳۵۴۲

سرکار خانم دکتر هورک پورزند
متخصص قلب و فلوشیپ
اکوکاردیوگرافی
ارتقای شایسته علمی شما را به مقام
دانشیاری دانشگاه علوم پزشکی
تبریک عرض می نماییم .
دکتر معینی پور ر/۹۵۱۶۳۵۳۱